

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۴ می ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

اکنون هر توافقی هم سرمنشأ یک اختلاف جدید است

درگیری مجلس و کابینه ارتجاع اسلامی، در این هفته بر سر ادغام وزارتخانه‌ها بالا گرفته بود. سران و کارگزاران رژیم بر هر مسأله‌ای که دست می‌گذارند و هر تصمیمی که می‌گیرند، از درون آن اختلاف جدیدی ظاهر می‌شود و بر اختلافات پیشین افزوده می‌گردد.

دولت و مجلس، در اساس سیاست‌های جمهوری اسلامی، اختلافی با یکدیگر ندارند. در عرصه سیاست‌های کلان، مجلس آن چیزی را تصویب می‌کند که مورد تأیید کل طبقه حاکم، سران و مقامات جمهوری اسلامی است. اما همین که به مرحله اجراء می‌رسد، بزرگترین اختلافات و درگیری‌ها بروز می‌کند. در جمهوری اسلامی همه اتفاق نظر دارند که باید سیاست اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را به مرحله اجراء درآوردند. این را در برنامه‌های ۵ ساله و بودجه‌های سالانه تصویب نموده و به اجراء گذاشته‌اند. کسی در میان آنان مخالف خصوصی‌سازی‌ها و واگذاری مؤسسات دولتی به سرمایه‌داران بخش خصوصی نبوده و نیست. اما در مرحله اجراء به نزاعی میان جناح‌ها و نهادهای دولتی تبدیل می‌گردد. همین ماجرا در مورد آزادسازی قیمت‌ها نیز پیش آمد و اگر چه تمام آن‌ها بر سر پیشبرد این سیاست، متحد و متفق‌القول بودند، اما خود به نزاعی میان دولت و مجلس تبدیل شد که اکنون نیز ادامه دارد.

چند ماه پیش تصویب کردند که برخی از وزارتخانه‌ها در یکدیگر ادغام شوند و تعداد آن‌ها در راستای همان سیاست عمومی جمهوری اسلامی برای خصوصی‌سازی‌های بیشتر و اخراج هزاران تن از کارگران و کارمندان کاهش یابد. تا این‌جا اختلافی میان آن‌ها نبود. اما به مرحله اجراء که رسید تبدیل به یک کشمکش و درگیری میان مجلس و کابینه شده است. کابینه احمدی‌نژاد، پس از تصویب برنامه پنجم، ادغام وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی، نفت و نیرو، مسکن و راه و ترابری، رفاه و کار، را در دستور کار قرار داد.

هیأت دولت در جلسه ۱۸ ثور، تصمیم گرفت که وزارتخانه صنایع و معادن را در وزارت بازرگانی، وزارتخانه نفت در وزارتخانه نیرو، رفاه و تأمین اجتماعی در وزارت کار، و وزارتخانه مسکن در راه و ترابری ادغام

شوند. ۳ کارگروه هم برای این ادغام تشکیل داد. در عمل سه وزیر حذف و سه وزیر دیگر ابقاء شدند. این خبر که انتشار یافت، اختلاف جدیدی بروز کرد و مشاجره دولت و مجلس بر سر این مسأله به شدت حاد شد. جلسه روز سه‌شنبه مجلس، به جلسه‌ای علیه احمدی‌نژاد و تصمیمات هیأت دولت تبدیل شد. گروهی از نمایندگان، احمدی‌نژاد را به قانون‌شکنی متهم کردند و تصمیم هیأت دولت را در مورد این ادغام بی‌اعتبار اعلام نمودند. توکل‌ی نماینده رژیم از تهران، گفت: "مثل این که دولت فرق انضمام و ادغام را متوجه نیست... این که رئیس جمهور تصمیم بگیرد که وزارت نفت را در وزارت کم‌اهمیت‌تر و کوچک‌تری به نسبت این وزارتخانه انضمام نماید، این ادغام نیست و رئیس جمهور حق این کار را ندارد." وی خطاب به رئیس مجلس افزود: "جلو این کار را بگیرد. چرا که اگر در شرایط کنونی آقای نامجو وزیر نیرو خیال کند که اختیار دارد که هر بلایی می‌تواند بر سر وزارت نفت بیاورد باید پاسخگو بوده، استیضاح شود. یا این که غضنفری احساس کند که هر کاری می‌تواند در وزارت صنایع انجام دهد، باید استیضاح شود. چرا که این وزراء برای وزارتخانه مشخصی رأی اعتماد گرفته‌اند... آن‌ها هیچ حقی برای هیچ دستوری در مورد دیگر وزارتخانه‌ها برای آن‌ها دیده نشده و آن‌ها مسؤولیت تصمیمات خود را به عهده دارند."

به بیانی صریح‌تر، توکل‌ی به وزرای احمدی‌نژاد می‌گوید: تصمیمات او بی‌اعتبار است و نباید آن‌ها را اجراء کنند. نماینده ارومیه، اقدامات احمدی‌نژاد را در نقل و انتقال‌ها و عدم معرفی برخی وزراء، "تزلزل و وسیع در بدنه مدیریت کشور" نامید و گفت: "وزرائی که در نتیجه این ادغام‌ها کنار گذاشته شده‌اند، باید به سر کار خود بازگردند، چون هنوز لایحه ادغامی دولت بررسی نشده و ممکن است به برخی ادغام‌ها معترض باشند." تعداد دیگری از مجلسیان نیز همین تذکرات را تکرار کردند.

معاون پارلمانی احمدی‌نژاد، اما تمام این موضع‌گیری‌ها را بی‌اعتبار اعلام نمود و گفت: آنچه که انجام گرفته، وظایف قانونی دولت بوده است. مجلس حقی در تأیید یا منتفی کردن ادغام ندارد، بلکه فقط می‌تواند لایحه شرح وظایف ارسالی دولت را در مورد وزارتخانه جدید مورد بررسی قرار دهد. در مورد معرفی وزرای جدید به مجلس نیز گفت: نیازی به این مسأله نیست و این وزراء قبلاً رأی اعتماد گرفته، بلکه به تشخیص دولت یکی از وزراء به قوت خود باقی می‌ماند و وظایف وزارتخانه ادغامی را انجام خواهد داد. این ادغام هم به وزارتخانه‌ها ابلاغ شده است.

سپس نوبت به رئیس مجلس رسید که تمام این اقدامات را غیر قانونی و باطل اعلام کرد و گفت: ادغام وزارتخانه‌ها بدون تصویب مجلس غیر قانونی‌ست و وزارتخانه‌های ادغامی موظف به ادامه کار خود هستند. لاریجانی با اشاره به وزرای عزل شده، افزود: "کسانی که بر سر کار حاضر نمی‌شوند، اشکال از خودشان است. کشور حساب و کتاب دارد و کسی نمی‌تواند با رأی اعتمادی که گرفته به خانه خود برود. مسؤولین برخی از وزارتخانه‌ها که هنوز رأی اعتماد نگرفته‌اند، حق دخل و تصرف در اموال و دستورات را ندارند و باید رأی اعتماد بگیرند."

وی در پاسخ به اظهارات معاون پارلمانی احمدی‌نژاد نیز گفت: "اگر این ابلاغ صورت گیرد، تخلف است و باید جلوی گرفته شود. اگر این کار انجام شود، تبعات اجتماعی زیادی به همراه دارد." پس از موضع‌گیری رئیس مجلس، احمدی‌نژاد، خود مستقیماً به مقابله با وی برخاست و روز چهارشنبه در جلسه هیأت دولت گفت:

"اجرای قانون بر عهده قوه مجریه است. رئیس جمهور اختیار دارد وزراء را جابه جا کند و خود سرپرست شود. رئیس محترم مجلس ظاهراً فکر می‌کنند عین قانون هستند که این تصور درستی نیست. برخی‌ها تصور می‌کنند که آن‌ها صاحب‌کار هستند و دولت کارگر آنان است. ولی بهتر است مجلس محترم وظایف خود را انجام دهد و اجازه دهند قوه مجریه نیز وظیفه‌اش را بر اساس قانون انجام دهد... اگر بناء باشد اعلام کنیم چه کسانی خلاف قانون عمل می‌کنند، مستنداتی داریم که می‌توان آن‌ها را ارائه داد."

گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد در مجلس وقتی که دیدند نمی‌توانند از طریق تهدیدات وی را به عقب‌نشینی وادارند، دست به دامان شورای نگهبان شدند که اعلام کند آیا وزرای وزارتخانه‌های ادغامی باید رأی اعتماد از مجلس بگیرند یا نه؟ پاسخ شورای نگهبان مثبت بود. معاون احمدی‌نژاد، اما اعلام کرد که ادغام وزارتخانه‌ها امری انجام گرفته است و نظر شورای نگهبان عطف به ماسبق نمی‌شود.

روز پنجشنبه، مجلس در نقش رئیس دولت ظاهر شد و با ارسال نامه‌ای به تک‌تک وزیران، آن‌ها را از اجرای تصمیم احمدی‌نژاد و هیأت دولت برحذر داشت و "آن‌ها را از دخل و تصرف در وزارتخانه‌های دیگر" منع نمود. اکنون دیگر کار به جای باریکی کشیده است. معاونت نظارت مجلس با ارسال این نامه به وزرای احمدی‌نژاد، آن‌ها را از اجرای تصمیمات رئیس دولت منع کرده است. مشکل دیگری بروز کرده است، وزراء باید از تصمیم احمدی‌نژاد تبعیت کنند، یا مجلس؟ هر ج و مرج حاکم است.

احمدی‌نژاد که پس از چند روز بست‌نشینی در برابر تصمیم خامنه‌ای برای ابقای وزیر اطلاعات، هنوز هم رسماً آن را تأیید نکرده و گویا به عنوان یک وزیر تحمیلی با او برخورد می‌کند، اکنون در برابر مجلس قرار گرفته و می‌گوید، حاضر نیست، وزرای وزارتخانه‌های ادغامی را برای کسب رأی اعتماد به مجلس معرفی کند. دو راه باقی می‌ماند. یا خامنه‌ای خودش مستقیماً به نفع مجلس وارد صحنه شود و به احمدی‌نژاد دستور دهد که از فرامین مجلس تبعیت نماید. در چنین حالتی عواقب مسأله پس از نزاع و اختلاف بر سر برگماری وزیر اطلاعات از سوی خامنه‌ای، برای وی وخیم خواهد بود.

راه دیگر نیز این است که بر سر همین مسأله، قضیه را یک‌سره کند و با وجود تمام عواقبی که در پی دارد، به مجلس دستور دهد، احمدی‌نژاد را استیضاح و برکنار نماید. به نظر می‌رسد که اکنون دیگر بی‌دردسرت‌ترین راه برای هر دو طرف دعوا در این است که یا احمدی‌نژاد استعفاء دهد، یا او را برکنار کنند.

پس از رودروئی احمدی‌نژاد و خامنه‌ای، پوشیده نبود که از این پس، اختلافات درونی هیأت حاکمه هر روز وسعت بیشتری به خود می‌گیرد، تا جایی که حتا توافقات آن‌ها بر سر پیشبرد یک سیاست، از همین نموه ادغام وزارتخانه‌ها، تبدیل به سرمنشأ اختلافات جدید می‌گردد.

تهی‌مغزی سران رژیم و باز هم، طرح مبارزه با بدحجابی

سال‌هاست که جمهوری اسلامی تمام وسایل و امکانات خود را به کار گرفته و تمام شیوه‌های ممکن را مورد استفاده قرار داده تا الگوی قرون وسطانی پوشش اسلامی را به زنان ایران تحمیل کند. جمهوری اسلامی، کوشید خرافات را از سنین کودکی در میان دختران اشاعه دهد. ضوابط سفت و سخت اسلامی را در مدارس دخترانه حاکم کرد. نهادهای ارتجاع فرهنگی و شبکه‌های جاسوسی در مدارس برپا نمود. اوپاش حزب‌اللهی را علیه زنان در کوچه‌ها و خیابان‌ها بسیج کرد. توهین، تحقیر و اسیدپاشی را به کار گرفت. زنان را به اتهام بدحجابی از کارخانه‌ها و ادارات، دانشگاه‌ها و مراکز دیگر اخراج نمود. سرکوب‌های خونین علیه زنان در خیابان‌ها به راه انداخت. گشت‌های

سرکوب رنگارنگ سازمان داد. جریمه‌های سنگین وضع کرد و غیره. ۳۳ سال گذشت و تمام تلاش ارتجاع حاکم بی ثمر از کار درآمد. پس از گذشت ۳۳ سال، باز هم زوزه‌های مرتجعین شنیده می‌شود که از خشم به خود می‌پیچند و ناله سر می‌دهند که باید کاری کرد. "بی‌حجابی و بدحجابی همه جا را فرا گرفته است." "بی‌بند و باری در حجاب و عفاف" در همه جا گسترش یافته است. دسته‌های مزدور و ابله بسیجی و حزب‌اللهی را در خیابان‌ها به راه انداخته‌اند تا امت حزب‌الله پشتیبانی‌اش را از اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم علیه زنان با فرا رسیدن فصل گرما اعلام کند.

از اوایل هفته جاری، بار دیگر گله‌های پولیس و بسیجی به خیابان‌ها، میداين و پارک‌ها ریخته‌اند تا به خیال خامشان با بگير و ببند، زنان را به رعایت حجاب اجباری اسلامی وادارند. تهدیدهای پولیس نیز از اوایل این هفته از طریق رسانه‌های وابسته به رژیم آغاز گردید.

رئیس پولیس امنیت اخلاقی جمهوری اسلامی در اوایل این هفته اعلام کرد که از این پس شاهد حضور پررنگ و پرتعداد گشت‌های امنیت اخلاقی در خیابان‌ها و مراکز عمومی و تفریحی خواهیم بود که با مظاهر بدحجابی برخورد خواهد کرد. افرادی هم که اقدام به کشف حجاب در خودروها کنند، خودروهای آنان توقیف و به مراجع قضائی معرفی خواهند شد. وی افزود در طرح امنیت اخلاقی امسال، بیش از ۷۰ هزار نیرو شرکت خواهند کرد. فرمانده پولیس جمهوری اسلامی نیز گفت: با شروع فصل گرما و افزایش سفرها، بدحجابی افزایش می‌یابد. در این راستا طرح مبارزه با بدحجابی را از تهران آغاز کردیم. وی تهدید کرد که پولیس با قاطعیت برخورد خواهد کرد. اما این تهدیدات در نتیجه مقاومت زنان ده‌ها بار با شکست پایان یافته است. اوج این وحشی‌گری پولیس و مقاومت قهرمانانه زنان را در سال ۸۷ نیز دیده‌ایم. بنابراین، تهدیدها، دیگر کارساز نیست. از همین روست که پولیس در نخستین هفته اجرای طرحش با مقاومت و مبارزه زنان روبرو گردید. درگیری که در جلو نمایشگاه کتاب، این هفته میان مردم و پولیس پیش آمد، یک نمونه بود. در حالی که پولیس با زور می‌خواست یک زن را به درون ماشین پولیس بفرستد، با مداخله مردمی روبرو گردید که به مقابله با وحشی‌گری پولیس برخاسته بودند. این واکنشیست که پولیس در همه جا با آن مواجه می‌شود. زنان، با شجاعت در برابر زورگویی پولیس مقاومت می‌کنند و مردمی که با چنین صحنه‌هایی روبرو می‌شوند، به حمایت از زنان به مقابله و رودروئی با پولیس برمی‌خیزند. تردیدی نیست که مقاومت زنان، این بار نیز طرح ارتجاعی و سرکوب‌گرانه رژیم را با شکست روبرو خواهد ساخت.

سران جمهوری اسلامی و کارگزاران دستگاه امنیتی و پولیسی رژیم، فقط مرتجع نیستند، بلکه یک مشت تهی‌مغز و کله‌پوک نیز هستند. آن‌ها پس از ۳۳ سال شکست در اجرای الگوی ارتجاعی قرون وسطائی پوشش اسلامی، هنوز نفهمیده‌اند که با هیچ وسیله‌ای نمی‌توانند میلیون‌ها زن امروزی ایران را مجبور کنند که مطابق اراده آنها پوششی را که به دوران جاهلیت بشریت، اسارت و بندگی زن تعلق دارد، بپذیرا شوند. سران جمهوری اسلامی آن‌قدر مرتجع و تهی‌مغزند که پس از گذشت ۳۳ سال، آزمودن تمام راه‌ها برای تحمیل حجاب اجباری اسلامی، نمی‌فهمند که چیزی جز شکست عاید آن‌ها نخواهد شد، چرا که این اقدام خلاف جهت تکامل تاریخی، ترقی و پیشرفت بشریت است. الگوی پوشش اسلامی جمهوری اسلامی مربوط به دورانیست که زنان کمترین حق و حقوقی نداشتند، کنیز مرد به حساب می‌آمدند و جزء اموال او. دورانی که زنان بی‌سواد بودند و غرق در خرافات که حق بیرون آمدن از چهاردیواری خانه را نیز نداشتند. این دوران سال‌های طولانیست که به پایان رسیده است.

به رغم تمام تلاش‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی برای تشدید اسارت و بندگی زن، زنان ایران به مقاومت و مبارزه خود ادامه داده و در جهت پیشرفت تاریخی و رهائی خود گام برداشته‌اند. امروز، اکثریت بزرگ زنان در ایران با سوادند، بخش بزرگی از آن‌ها تحصیلات عالی دارند. روشن است که این زنان حجاب اسلامی را که نشانه اسارت و فرودستی زن است، نمی‌پذیرند و خواستار به دور انداختن این سمبل عقب‌ماندگی و اسارت‌اند. امروز، عموم زنان ایران، خواستار لغو حجاب اجباری‌اند. لغو حجاب اجباری، البته کوچکترین خواست زنان است. وجود تبعیضات و نابرابری‌های متعدد است که بر پایه آنها، حجاب اجباری نیز تحمیل شده است. بنابراین، زنان خواهان برافتادن تمام تبعیضاتی هستند که جامعه کنونی و رژیم جمهوری اسلامی بر آن‌ها تحمیل کرده است. زنان خواهان برابری کامل و بی قید و شرط اجتماعی و سیاسی با مردان هستند. زنان این مطالبات را با مبارزات خود اعلام کرده‌اند.

بنابراین جمهوری اسلامی هرگز نخواهد توانست زنانی را که به این سطح از آگاهی و فرهنگ دست یافته‌اند، وادارد که طبق اراده او لباس بپوشند و الگوی اسلامی مورد نظرش را رعایت کنند. طرح جدید پولیس نیز سرنوشتی جز شکست‌های پیشین نخواهد داشت و با مقاومت و مبارزه‌ای که از جانب زنان می‌بینند، چاره دیگری جز این ندارند که پس از گذشت چند روزی بساط خود را جمع کنند و پایان طرح‌شان را اعلام نمایند.

جمهوری اسلامی، در هر حال یک دولت مذهبی اسلامی‌ست و با وجود تمام شکست‌ها نمی‌تواند در برابر خواست‌های زنان تمکین کند. زمانی زنان می‌توانند به پیروزی قطعی دست یابند و مطالبات‌شان عملی گردد که دین و دولت به کلی از یکدیگر جدا گردند. یعنی دولت دینی که همین جمهوری اسلامی‌ست برافتاده باشد. لذا مقاومت و مبارزه زنان برای مقابله با زورگوئی‌ها و تعرضات پولیسی، گرچه در جای خود مهم است، اما کافی نیست. باید مبارزه خود را همدوش کارگران، معلمان و دانشجویان برای سرنگونی جمهوری اسلامی تشدید کنند. با این سرنگونی‌ست که می‌توانند از شر تمام ستمگری‌های جمهوری اسلامی نجات یابند.